

نامهٔ محمدشاه پادشاه هرموز به سلطان پرتغال*

هوالمعز

السلطان دان جوان .

آفتاب دولت و ماهتاب سعادت، بندگان حضرت فلک رفعت کیوان مدار، سلطان اعظم اعدل اکرم، افتخار اعظم السلاطین فی العالم، ملاح بحار سلطنت، سیاح امور مملکت، در درج کامگاری، گوهر برج بختیاری، مطلع آفتاب عدل و احسان، منبع زلال امن و امان، المستظهر به عنایت الملك المنان خلدالله تعالی ملکه و سلطانه و افاضل علی العائمین بره و عدله و احسانه و اوضح علی كافة البرایا حجة و برهانه تابان و درخشان باد.

بنده کمترین مخلصان، مراسم عبودیت اخلاص شعار به محل عرض معروض و مرفوع داشته به حسن عنایت النهایه و التفتات خاطر عاظر کیمیا حاصل مستظهر و مستوثق و امیدوار بوده و می باشد. بعد از عرض عبودیت و اخلاص معروض می دارد که از حال این بنده غافل نباشد که این بنده کمترین در خدمت است و همواره بنده نوازی می فرماید و خدمتی که از این بنده رود و اشاره می فرماید با کمر بسته به تقدیم رساند. و کپتان کوت آنتونی شلوره^۲ در حق این بنده و رعایا تقصیر ندارد و آنچه طریقه بندگی

و اخلاص و خدمتکاری آن حضرت است مرعی می‌دارد و کپتان
ملحبود شور مدتی که کپتان کوت بود در خدمتکاری و اخلاص و اتحاد
این بنده هیچ تقصیر ننموده، آن [چنانکه]^۳ این بنده از جانب او
راضی است تا واضح باشد. چون مقصود عرض خدمت بود، زیاده
از این ابرام نمینماید. جهان و جهانیان مسخر امر اعلی باد. آمین.
سجع مهر بادامی شکل که در پائین نامه خورده است :

محمد شاه بن ابا نصر شاه